

# بی‌تصمیمی در آستانه سال تحصیلی

## محمد داوری

با توجه به اینکه تجربه دو سال تحصیلی کرونایی البته یکی کامل و یکی هم تقریباً نیمه را داریم و ابعاد آموزش غیرحضوری برای همه آشکار شده است و تجربه سایر کشورها هم پیش چشم ماست، متأسفانه دو هفته به اول مهر تصمیم مشخصی برای شروع سال تحصیلی گرفته نشده است. از منظر مدیریتی بی‌تصمیمی بدتر و زیانبارتر از بدتصمیمی است، چراکه در سیستم مدیریتی متمرکز مانند سیستم دستگاه‌های مختلف در کشور ما تمام ظرفیت‌ها را در حالت بلا تکلیفی قرار داده و خدمات گیرندگان از حداقل‌ها نیز محروم میشوند. وقتی یک دستگاهی مانند آموزش و پرورش ناکارآمد باشد و در آغاز به کار دولت جدیدی قرار داشته باشد و توسط سرپرست هم اداره شود این بی‌تصمیمی خسارت‌ها و زیان‌هایی به مراتب گسترده‌تر و عمیق‌تر برجای خواهد گذاشت؛ خسارت‌ها و زیان‌هایی که متوجه بیش از 14 میلیون کودک و نوجوان میشود. تجربه سال تحصیلی گذشته و نیمه دوم سال قبل‌تر نشان داد نظرات مدیران و مسوولان در سطوح مختلف بیش از آنکه به مدارس کمکی کند تا خود را برای شرایط پیش رو آماده سازند بیشتر بلا تکلیف و سردرگم می‌نماید، فقط مدارسی موفق بودند که منتظر تصمیم وزارتخانه و مسوولان و مدیران ستادی نماندند. اما مدارسی که قدرت ریسک یا جرات لازم یا توان مورد نیاز را نداشتند گوش به زنگ دستورات راس هرم بودند و چشم به بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها دوختند که متأسفانه این دسته مدارس بودند که بیشترین آسیب را به دانش‌آموزان وارد ساختند. امسال هم در حالی که کمتر از دو هفته به مهر مانده است وزیر بهداشت از بازگشایی یا آموزش حضوری از آبان سخن می‌گوید، سرپرست آموزش و پرورش از سناریوی چهارگانه حرف می‌زند، سخنگوی کمیسیون آموزش تقصیر را به گردن رییس کمیسیون می‌اندازد و می‌گوید ایشان کوتاهی کرده و جلسهای برای این منظور تاکنون نگذاشته و به درخواست ما بی‌توجهی کرده است و ستاد ملی کرونا هم تصمیم قطعی در این زمینه نگرفته است، لذا بی‌تصمیمی بیش از همیشه 110 هزار مدرسه و 28 میلیون پدر و مادر را سرگردان و نگران کرده است. پیشنهاد می‌کنم برای یکبار هم که شده وزارت آموزش و پرورش دست از این مدیریت متمرکز و دستوری و کلیشهای بردارد و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های صد صفحه‌ای هم ارسال نکند فقط در نصف برگه به تمام

مدارس اعلام کند که انجمن اولیا و مربیان مدارس به عنوان بالاترین مرجع هر مدرسه و شورای مدرسه اختیار تصمیم‌گیری دارند و تمام پرسنل پشتیبانی‌کننده در استان‌ها و شهرستان‌ها موظف هستند نقش حمایتی و پشتیبانی و نظارتی خود را ایفا کنند. بی‌تردید با اعلام این تصمیم و خروج از بی‌تصمیمی، نخست مدارس حق ندارند منتظر بمانند و فرصت از دست برود و دوم اینکه چون تصمیم مشترک اولیا و مربیان بوده است تصمیم متناسب با شرایط مدرسه و خانواده‌ها خواهد بود و تقابل بین مدیران و کادر مدرسه و معلمان و مربیان و خانواده‌ها ایجاد نخواهد شد و خود آنها هم پاسخگویی تصمیم خود خواهند بود. ممکن است این تصمیم در نگاه نخست برای مدیرانی که به سیستم متمرکز عادت کرده‌اند سخت و ترسناک باشد اما اگر به تجربه دو سال گذشته نظری انداخته شود، می‌بینیم در عمل همین اتفاق افتاده اما چون این اختیار رسماً به مدارس واگذار نشده بود و حتی برعکس مدیران تهدید می‌شدند که باید حتماً از فلان سامانه استفاده کنند یا حق ندارند از فلان شبکه اجتماعی استفاده کنند متأسفانه بسیاری از مدارس فعالیت حداقلی را هم انجام ندادند. انتظار می‌رود امسال مسوولان به این بی‌تصمیمی پایان بدهند و مدرسه محوری را با اعتماد به مدیران و پرسنل و والدین عملی سازند تا شاید تلنگری باشد برای این واقعیت که در راستای تحول مدیریتی برای همیشه نگرش مدیریتی متمرکز و دستوری خاتمه یابد آن هم در یک دستگاه تمام انسانی که هم ورودی این دستگاه انسان است و هم فرآیند فعالیت‌ها انسان‌محور است و هم خروجی آن. جلسه‌ای برای این منظور تاکنون نگذاشته و به درخواست ما بی‌توجهی کرده است و ستاد ملی کرونا هم تصمیم قطعی در این زمینه نگرفته است، لذا بی‌تصمیمی بیش از همیشه 110 هزار مدرسه و 28 میلیون پدر و مادر را سرگردان و نگران کرده است. پیشنهاد می‌کنم برای یک‌بار هم که شده وزارت آموزش و پرورش دست از این مدیریت متمرکز و دستوری و کلیشه‌ای بردارد و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های صد صفحه‌ای هم ارسال نکند فقط در نصف برگه به تمام مدارس اعلام کند که انجمن اولیا و مربیان مدارس به عنوان بالاترین مرجع هر مدرسه و شورای مدرسه اختیار تصمیم‌گیری دارند و تمام پرسنل پشتیبانی‌کننده در استان‌ها و شهرستان‌ها موظف هستند نقش حمایتی و پشتیبانی و نظارتی خود را ایفا کنند. بی‌تردید با اعلام این تصمیم و خروج از بی‌تصمیمی، نخست مدارس حق ندارند منتظر بمانند و فرصت از دست برود و دوم اینکه چون تصمیم مشترک اولیا و مربیان بوده است تصمیم متناسب با شرایط مدرسه و خانواده‌ها خواهد بود و تقابل بین مدیران و کادر مدرسه و معلمان و مربیان و خانواده‌ها ایجاد نخواهد شد و خود آنها هم پاسخگویی تصمیم خود

خواهند بود. ممکن است این تصمیم در نگاه نخست برای مدیرانی که به سیستم متمرکز عادت کرده‌اند سخت و ترسناک باشد اما اگر به تجربه دو سال گذشته نظری انداخته شود، می‌بینیم در عمل همین اتفاق افتاده اما چون این اختیار رسماً به مدارس واگذار نشده بود و حتی برعکس مدیران تهدید می‌شدند که باید حتماً از فلان سامانه استفاده کنند یا حق ندارند از فلان شبکه اجتماعی استفاده کنند متأسفانه بسیاری از مدارس فعالیت حداقلی را هم انجام ندادند. انتظار می‌رود امسال مسوولان به این بی‌تصمیمی پایان بدهند و مدرسه محوری را با اعتماد به مدیران و پرسنل و والدین عملی سازند تا شاید تلنگری باشد برای این واقعیت که در راستای تحول مدیریتی برای همیشه نگرش مدیریتی متمرکز و دستوری خاتمه یابد آن هم در يك دستگاه تمام انسانی که هم ورودی این دستگاه انسان است و هم فرآیند فعالیت‌ها انسان‌محور است و هم خروجی آن.

□□□□□□ □□□□□□ 1400 □□□□□□ 18 □□□□□□ □□□□□□□□□□□□